

فرهنگ

صفحه ۱۲۲

تیر ۱۳۰۶

شماره چهارم

جامعه نو زبان نو

جامعه نو زبان نو لازم دارد

آلات و ابزار جدید و مقتضیات و ضبیت اقتصادی در هر دوره
 مختلف : افکار جدید روابط اجتماعی تازه و ضبیت سیاسی نو و
 بالاخره زبان و لغات و ادبیات جدید بوجود میآورد . بنا بر این
 هر قدر ترقی و تغییرات او ضاع اقتصادی و اجتماعی يك محیط
 سریع تر و زیاد تر گردد ، بهمان نسبت زبان و ادبیات آن نیز
 زودتر تغییر خواهد کرد . اصامی و اصطلاحات تازه وضع شده و لغات
 کهنه مانند ابزار مندرس و قدیمه از میان محور میشوند . اینها فقط
 در موزه ها و آنها در فرهنگ های لغت برای تماشا و یادگار بطور

امونه باقی میمانند .

زبان غنی و غیر محتاج زبانی است که برای تمام آلات و اصطلاحات محیط معاصر خود لغات کافی و فراوان داشته باشد . پس ممکن است که زبانی در يك عصر خجای غنی و قوی بود و بالعکس در زمان و قرن دیگر فقیر یا محتاج با استقرار لغات اجنبی گردد . هنوز خیلی از اشخاص در ایران ، متعولترین زبان های عام را « عربی حجاز و حضر موت » میدانند !

زیرا که - بگویند - برای نامیدن ششیر مثلا نود لغت و اصطلاح بسیار بیشتر و برای کلمه شتر - شیر - مار و غیره هر يك صدها لغت در این زبان موجود است . و یا بالعکس کلمه « عین » در زبان عرب دارای هفتاد معنی و مفهوم مختلف می باشد ، و این مثال ها دلای اتمکار بر توسعه این زبان است !

- در اشتباه این عقیده همین قدر کافی است که در مملکت مصر چون وضعیت اقتصادی و روابط آن پیوسته در تغییر و ترقی می باشد ، می بینیم لغت نو و جدید الاحتراع عربی آن و بسکال لغت اخذ شده از خارجی در آنجا روز بروز بهتر شده و لغت کهنه و قدیمه « غیر مستعمله » در جاه مرک و فراموشی فرو میروند .

و بالاخره در نتیجه همین ترقی حیات اقتصادی و اجتماعی مصر است که امروز این اختلاف بزرگ را بین زبان عرب حجاز و مصر مشاهده میکنیم .

ترقی وضعیت اقتصادی و صنعتی و توسعه بازار مبادی و مناسبات مصر و بالاخره اختلاف وضعیت جغرافیائی آن با حجاز زبان عربی مصر را از همه ششصد لغت شتر و شیرو لغت متعدد صحرا وریک و غیره بی نیاز کرده و برای آنها در اینجا مورد استعمال باقی نگذاشته است و بالعکس وضعیت اقتصادی و بلتیک عربستان و دل مهمی را که شتر و شمشیر در زندگانی اعراب بادیه نشین بازی میکنند این اهمیت و کثرت اسامی را آنها داده است . در این صورت هر گاه در آیه نزدیک *تخطرطن آهن در همه عربستان* کشیده شده و طبقه شترها اهمیت اقتصادی سابق خود را برای اعراب زودست بدهند ؛ البته طولی نمی کشد که تمامی اسامی مذکوره متدرجاً از استعمال در گمنگو و ادبیات افتاده مانند لغت های متعدد شمشیر پس از ورود *تفنك* و *منرالیوز* بقدرد و منزلت می شوند . حتی در نواحی مختلفه خود ایران نیز هر قطعه که روابط اقتصادی آن کمتر توسعه یافته و ابزار کار در آنجا ترقی و تکامل حاصل

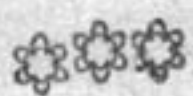
روشکار علم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نگارده است ، لغت های قدیمه زبان آن بیشتر حفظ شده و لغات
جدید در آن کمتر دیده می شود برخلاف عقیده بعضی که تصور
می کنند زبان پارسی قدیم را ممکن است از نو در ایران
معمول نمود ، زبانهای رده قدیمه را نمی توان امروز بطور
مصنوعی زنده و معمول کرد ، زیرا علاوه بر عملی نبودن آن
لغات آنها هر قدر هم در روزگار خود زیاد و قراوان بوده باشد
برای لامیدن آلات و اشیاء امروزی بکار نخواهد رفت ، بیخ و بن
گرچه هر دو یعنی عالم مذهب و از یک منفع و صنف هستند
ولی با وجود این استعمال آن ها بجای هم بگای مخالف معنی
خواهد شد ، در اروپا ترقی لغات و زبان امروزه با دوره فزون
و سعای و بلکه با دو قرن پیش در هر ممالک بکلی آشکار و
مخصوص است ، روز بروز لغات جدید و با کلمات اجنبی و
بین المللی آنها (یعنی آنها بلکه از اسد صنایع و اختراعات بکدیگر
و یا درجهن ، باده و روابط پیدا شده) بیشتر شده ولی در ایران
تا همین اواخر بز یعنی با قلی از زمان مشروطیت زبان عامه و
حتی درباری و اداری با پنج قرن پیش تقریباً چندان اختلافی نداشته
است ، فقط در اینم قرن اخیر است که ما تغییراتی در زبان و

سبک تحریرات فارسی مشاهده می کنیم و تنها سبب این امر هم چنانکه ذکر شد البته همان تغییر وضع حیات اقتصادی (توسعه بازار مبادلات و روابط متقابل و تغییر و تنوع یافتن ابزار کار) در اروپا و عدم آن در ایران بوده است !

با وجود این اکنون در ایران کمتر کسی از جوانان معصل مدارس جدید امروزه است که معانی لغات غیر مستعمل و عبارات قدیمی : خشت بران ، زوین ، ششیر ، ارگستوان ، خفتان ، ساعد بند ، سراحی و اریق ، محاسب و عیس ، موزه و ساغری ، در هم و دینار و دانک ، جفرو لیمیا و سیمیا ، حدود اقلیم رابع و خامس ، جابلقا ، و جابا... از عنون و ربط ، موسیقار و سرنج ، خینا گر و رباب ، کعبین و غیره... را بداند و در عوض هر گاه از فردوسی طوسی یا اوهلی سینا و خواجه نصیر طوسی هم معانی امروزه لغات معروف ششول ، تفنک ، دست تیر ، توپ ، هوا پیمای طباره ، بلیمیت و انو و پیک و موزر ، استکان سماور ، میزان الحراره و میزان الهواء ، دورین و ذره این ، یوتین کالش ، قران واسکائس و لیره ، قوه برق و الکریسته و عکس متحرک (سینما تو گراف) امریکا استرالیا ، ستاره اورانوس

و نیپتون ، و یون و یانو ، گرامافون و غیره . . . را می
 پرسیدند بدیهی است که ممکن نبود بداند پس همان طور که
 ابزار قدیمه پس از اختراع آلات پر فایده تر جدید حق حیات
 ندارند ، اسامی آنها نیز حق زندگی و بقای در میان لغت های
 جوان امروزه را نخواهند داشت .



تقریباً از ائمه دوم قرن نوزدهم در اوقات سلطنت ناصرالدین
 شاه دیپورت معروف آل قاجار بود که روابط اقتصادی و بلتیک
 دول اروپا با ایران (که از چندی قبل شروع شده بود) پستی توسعه
 و استحکام را گذاشت . مسافرت بی در پی شاه و در ایران و
 غیره بفراک و احساس عدم امکان مقاومت در برابر همسایه های شمال
 و جنوب و سایر درون و بیرون شاهنشاهی قوه مالی و قشون ، ولزومات
 اخذ سبک نظام اروپائی و تاسیس ادارات حکومتی بطرز دول اروپا
 خود دوات را در ایران مجبور بطرفداری از تجدد و تغییر وضع
 قدیم کرد بوده . یک صنف جدید - پور ژوازی تازه ایران ، کم
 کم در صحنه این مملکت خود را نشان داده و روز بروز بر اهمیت
 دل خود می افزوده . اتصال ایران با بازار اروپا و دنیا در دوره

سرمایه داری تجارتي را در ایران بطرف دنباله تاریخی خود بورژوازی
صنعتی و مالی می کشاند اهمیت صنف جدید دولت را و ادار می
آورد که با تمام و سایل هرگزیت دادن ممالکت سعی کند .
نؤدالهای ولایات در مقابل سیاست حکومت طهران یعنی نؤدال
بزرگ مرکز روز بروز ضیف و یکی بعد از دیگری محو می
شدند . بساط هرج مرج و جنگهای داخلی چند صد ساله که در
باقی نگاه داشتن رسوم و عادات و ادبیات و زبان کهنه ایران
مخاط مهمی داشتند کم کم بر چیده میشدند . ترقی روابط تجارتي
اروپاکیان در ایران و همچنین از دیاد روز افزون روابط اقتصادی
ایران یا ممالک اروپا ، ورود چاپخانه های حرروفی و سری و ازدیاد
آنها در مرکز و ولایات و تاسیس چاپخانه های جراید و مطبوعات ،
تشکیل مدارس جدید بسبک اروپائی و غیره و غیره . . . این ها
همه مقدمات یک انقلاب اجتماعی و سیاسی و ادبی را در ایران
نشان می داد . انقلاب اصفه کاره سیاسی (بورژوازی) در ۱۹۰۶
واقع شد (که دنباله دوره انقلاب ایران هنوز هم حتم نشده) در
این موقع علاوه بر پیدا شدن تغییرات در افکار و طرز انشاء
تغییرات فارسی ، لغات زیادی نیز بواسطه تغییر بسبک اداریات و

وضع حکومت و ورود آلات و اصطلاحات جدید اداری از سینه اروپائی داخل زبان فارسی می شود . بدین طریق لغات جدید زبان فارسی از نیمه آخر قرن نوزده روز بروز زیاد تر شده و بعضی لغت های کهنه که از اعمار پهلوانی و دوره قرون وسطی تا این زمان بجا مانده و زینت صفحات کتاب ها بودند جای خود را به بیچه های تازه مولود دوره پورزوازی واگذار می نمایند پس همان طور که این اوقات را می توان ابتدای ظهور و شروع توسعه نفوذ سیاسی یک صنف جدید (یعنی پورزوازی) در هیئت جامعه دانست ، نیز می توان آن را مبداء یک دوره تجدد و زبان و ادبیات ایران نامید .

همان قسم که انقلاب سیاسی و اقتصادی ایران بواسطه موانع و عکس معلومه هنوز نا تمام مانده و خط سیر لازمه خود را کاملاً نپیموده است ، انقلاب ادبی نیز هنوز مراحل اولیه خود را طی نکرده و ادبیات ایران تا کنون نتوانسته است خود را از قعر دوره فؤدالیت و حتی زندگانی های قبیله ئی و چوپانی بالا کشیده و بروز بیاورد .

در رشته نظم هنوز بر وزن بحر های دوره جاهلیت عرب

یعنی باهنگ مارش شتر سواری و صدای حرکت قوافل و زین و هم
 زنگ کاروان و یا پنجمات صاف و بنگ اواخت و سکوت آور شبالی
 و حرکت آب و آوازهای روستائی مشویات و قصاید و تغزل ها
 و غیره انشاد شده و غزلیات عرفانی با خیالات و افکار حشیشانه
 قلندری و یا با معانی و فلسفه قدیمی صوفیانه و تعزلات عاشقانه غیر
 طبیعی سروده می شود .

مخصوصا در دوره فطرت ادبی ایران یعنی از ایام تسلط مغول
 تا نیمه دوم قرن ۱۹ ما در ادبیات ایران جز ایچرکتی و بق-راج
 و معما گوئی، روح درویشی و تصوف و نفوذ فوق العاده خرافات
 مذهبی و الاخره بی اراده بودن و اطاعت صرف در برابر حکومت
 مطلقه چیزی مشاهده نمی کنیم. اینها همه معلوم می کنند که اصول
 ملوک الطوائفی چگونه در این عصر کاملاً برقرار و محکم بوده است
 در دوره ملوک الطوائفی چرن مبادل و قوه زحمت توسعه زیاد نداشته
 و احتیاجات افراد زیاد نشده است، لذا خوانین و وزراء و شاه و
 روحانیون و الاخره خود شعراء غالباً به ایگاری و راحتی بسر برده
 و وقت ساختن و حل کردن معما و یا شنیدن مداحی و تملقات
 بی سر و ته را داشتند و بعلاوه از این قسم ادبیات لتابع سیاسی و

اقتصادی نیز عاید فئودال های جسمانی و روحانی میگردد.

ولی در دوره تسلط ماشین الكتریک و در عصر سرمایه و زحمت یعنی دوره که از هر گوشه شهر صغیر سوت ماشین و صدای نعره کارخالیجات بلند شده و مارش شتر و الاغ به حرکت سریع تراموای های الكتریک و خط آهن و اتومبیل بدل میشود و در هر نقطه هیاهو و حرکت بر سر و صدای چرخهای فابریکا گوش را کر میکند دیگر آن وزن و سبك ادبیات فئودالیه باقی نخواهد ماند. زندگی بیشتر عملی و محتاج به زحمت شده دیگر کسی فرصت برای منقش نشستن و فکر کردن برای حل اغز های شعری و یا مهملات ناسونی و عشق غیر طبیعی و غیره را ندارد. تغییرات اساسی ادبیات بخودی خود و بطور طبیعی انجام گرفته و بهلوانهای رفرماتر ادبی نیز مانند بهلوانهای سیاسی در ضمن تغییر اصول جامعه بخودی خود پیدا خواهند شد. بنا بر این شکایت بعضی ها از اینکه چگونه و توسط چه کسی و کی انقلاب ادبی خواهد شد یکی این مورد میباشد.

در اثر بررسی چنانکه مشهود است در دوره جدید ترقیات بالنسبه بزرگ معاهده مینمائیم مخصوصا پس از تاسیس روزنامهجات و مجلات

علمی و غیره و ازدیاد فوق العاده آنها از اول انقلاب مشروطیت علاوه بر پیدا شدن سبک ها و شاخه های جدید ادبیات ایران لغات تازه روز بروز و ساعت بساعت مانند گلها و شکوفه های اول بهار با رنگهای مختلفه صفحات جراید و مطبوعات را پر مینمایند

هر گاه سبک تحریرات و الفاظ مستعماله اولین روزنامه ایران « روزنامه رسمی ایران » را که در زمان ناصرالدین شاه تاسیس گردیده اجراید امروزه اسنجم اختلاف این دو دوره و ترقی زبان و ادبیات ما بخوبی معلوم میشود. گذشته از این در کتب درسی و علمی کافی است انشاء تاریخ دوره نادری و تاریخ و صاف را با تاریخ های کلاسی امروزه مقایسه کرده و تفاوت زبان و سبک انشاء دوره فؤادیه را با امروزه (شروع دوره سرمایه داری) در ایران تشخیص داد. در خاتمه باید متذکر شد که در ایران محافظه کاران ادبی و مرتجعین علمی نیز مانند مرتجعین سیاسی پیوسته هیاهوی زیاد در نمایاندن خطرات دخول لغات اجنبی و اختراع لغات جدید در زبان پارسی میکنند. اینها تبلیغات بسیار در استعمال لغات قدیمه بجای ابزار جدیده و معانی و اصطلاحات امروزه نموده و این وسیله غلط تصور می کنند ممکن است از سیر حتمی دوره

تجدد زبان پارسی جاو کبری کرد . این چاره اندیشی های بی جا علاوه بر تولید زحمت و اشتباه بواسطه غیر طبیعی بودن آن هرگز عملی نخواهد بود . مضحك تر آنکه بعضی متعصبین لغات آمیخته شده عرب را هم با پارسی اجنبی دانسته در بیرون ریختن آن ها از این زبان و معمول کردن پارسی خالص و محبوب عهد کیومرث و رستم زابلی تبلیغات مینمایند ؟ این قبیل عقاید پوسیده و ارتجاعی با ورود آلات و کارخانجات جدید و ازدیاد روابط ایران پیر یعنی بازار خرید و فروش کهنه عالم ادبیای نو به تدریج محور و در آتیه نزدیکی بصورت افسانه ذکر خواهد شد .

موافق اصول علم السنه هر زبانی که قواعد صرف و نحو خود را حفظ کرده باشد يك زبان مستقل شناخته خواهد شد اگر چه هزاران لغت اجنبی عاریه کرده باشد مانند زبان روسی و ترکی و غیره و هم چنین زنده بودن يك زبان مربوطه به ادبیات معاصر و علوم آن و عده متکلمین آن است پس فریاد و استفاه متعصبانه این قوم در اختلاط لغات عرب با فرانسه و غیره با پارسی یکلی بیجا است .

همانطور که تشکیل و تاسیس يك ملت از ابتدا بواسطه اشتراك چند قبیله و خوائلواده در يك بازار خرید و فروش بوده پیدا شدن زبان

وعادات و رسوم واحد در میانه آنها نیز نتیجه همین دوام و استقرار
 روابط اقتصادی بوده است همین قسم هم هر قدر بازار خرید و فروش
 یکمات توسعه یافته و امالی دیگر و بازار دنیا بیشتر مربوط شود ،
 همان نسبت لغات این الملی این ملت زیاد میشود ، وضعیت ممالک
 اروپا و استقرار لغات از زبانهای همدیگر پس از توسعه روابط آنها
 باهم برای ما دلیلی کافی است . پیش از ازدیاد و ترقی فوق العاده
 روابط اقتصادی ملل مختلفه اروپا و عالم با یکدیگر هیچکس به خیال
 اختراع و بالزوم یک زبان بین الملی نیفاده بود ولی سیر توسعه روابط
 اقتصادی و اجتماعی ملل عالم رفته رفته بشر را به خیال و جواب یک
 زبان بین الملی انداخته و سهر تاریخی در آتیه دور بانزدیکی باین خیال
 صورت فعلیت خواهد بخشید .
 و اصول یک زبان بین الملی که همه بشر را از مشقت آموختن
 زبانهای متعدده مشکله امروزه رهائی بخشد آخرین سر نوشت همه
 زبانهای ما است .